

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران؛ میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلف آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترت

چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۴ • ۲۶ صفر ۱۴۴۷ • ۲۰ آگوست ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۱۸۶ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۸ • اذان مغرب ۱۹:۰۷ • اذان صبح فردا ۳:۵۸ • طلوع آفتاب ۵:۲۸

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

سریالی که تاریخ را به جشن خانگی بدل کرد

ایلیابریولی

برهم زده و باورپذیری شخصیت‌ها را مخدوش می‌کند. همچنین تغییر در قامت شخصیت «زری» نیز پرسش‌برانگیز است؛ چرا قد کوتاه‌تر او ناگهان با قد بلندتر بازیگر اصلی (بهنوش طباطبایی) جایگزین می‌شود؟ کارگردانی ضعیف و روایت بی‌رmq اجازه نمی‌دهد حتی بازی‌های خوب نیز تأثیرگذاری مورد انتظار خود را داشته باشند. در نهایت، «سووشون» اثری است که با وجود پتانسیل بالا و آغاز امیدوارکننده، به دام تصمیم‌های نادرست کارگردانی و روایتی کند و بی‌انجماد افتاده است. پرسش اصلی این است که آیا سریال می‌تواند در ادامه مسیر خود را بازپاید یا در همین سراسیمگی سقوط باقی بخواهد مانند؟ یکی از مهم‌ترین چالش‌های سریال «سووشون» به انتخاب بازیگران نامزدرد؛ تصمیم‌هایی که نهایتاً به منطق شخصیت‌ها همخوانی ندارد، بلکه گاه به انسجام کلی اثر لطمه می‌زند. فراتر از این، انتخاب بهنوش طباطبایی در نقشی که نیازمند صدایی نازک‌تر و لحنی متفاوت‌تر بود، محل تردید است. طباطبایی با صدای بم و گویشی که به‌هیچ‌وجه پرداخت درستی ندارد، در قوام شخصیت کاسته است. حتی جزئیاتی همچون رنگ چشم‌ها نیز نادیده گرفته شده و در تضاد با تصویر ذهنی و واقع‌گرایانه‌ای قرار دارد که مخاطب انتظار داشت. این انتخاب‌های ناهماهنگ، به‌زعم بسیاری از تماشاگران (مستند به اظهارنظر‌ها در فضای مجازی)، یکی از ضربه‌های اصلی به روایت محسوب می‌شود؛ جایی که به‌جای غرق شدن در سیر داستان، تماشاگر پیوسته درگیر پرسش از چرایی این انتخاب‌ها می‌شود. در این میان، گمانه‌زنی‌هایی نیز بین مخاطبان فضای مجازی شکل گرفته است. بسیاری اذعان دارند که تصمیم‌های کارگردانی در زمینه بازیگری، بیش از آنکه به تقویت داستان کمک کند، زمینه‌ساز حاشیه و تردید شده است. به‌طور کلی، به نظر می‌رسد بخشی از مشکل اصلی «سووشون» نه‌فقط در روایت کند و کارگردانی بی‌ثبات، بلکه در گزینش‌های نامتناسب بازیگران است؛ انتخاب‌هایی که اگر با دقت و منطق بیشتری انجام می‌شد، می‌توانست به انسجام و تأثیرگذاری بی‌افزاید.

سریال «سووشون» نه‌تنها به واسطه نام نویسنده و کارگردان خود، بلکه به خاطر بودجه سنگینی که برای آن صرف شده، از ابتدا در کانون توجه قرار

سریال «سووشون» با وجود انتظارات بالایی که از آن می‌رفت، همچنان پس از انتشار پنج قسمت، در مسیر روایت خود با مشکلات جدی مواجه است. آنچه در قسمت‌های اخیر بیش از هر چیز به چشم می‌آید، ضعف کارگردانی و تصمیم‌های عجیب در تدوین و روایت است؛ تصمیم‌هایی که نه‌تنها به انسجام داستانی کمکی نکرده‌اند، بلکه مخاطبان را دلسرد کرده‌اند و بازتاب آن در شبکه‌های اجتماعی به‌وضوح مشهود است. مسئله مهم دیگر، کندی بیش از اندازه روایت است. کندبودن ذاتا نقص محسوب نمی‌شود و بارها در آثار شاخص سینما و تلویزیون به‌عنوان ابزاری برای تعمیق روایت به کار رفته است، اما کندی «سووشون» فاقد ضربه‌انگ و مترونومی منظم است. این فقدان، نه‌تنها از کنش داستانی می‌کاهد، بلکه روایت را فرسایشی و طاقت‌فرسا می‌کند. افزون بر این، ایرادهای فنی نیز بر ضعف‌های داستانی افزوده‌اند. «سندروم دوربین بی‌قرار» که در بسیاری از نماها مشاهده می‌شود، عملاً مخاطب را از تمرکز بازمی‌دارد و کیفیت بصری اثر را زیر سؤال می‌برد. در کنار آن، برخی انتخاب‌های عجیب در شخصیت‌پردازی –از جمله جوانی غیرمنتظره زری و یوسف– موجب سردرگمی و حتی شوک تماشاگر شده است. نماهای کلوزآپ نامناسب و قاب‌بندی‌های اغراق‌آمیز– مانند نمای تحریف‌شده صورت عکاس و شاعر ایرلندی در قسمت اول– نه‌تنها کمکی به انتقال حس و التهاب نمی‌کنند، بلکه مخاطب را از فضای داستان بیرون می‌کشند. در نتیجه، به‌جای آنکه بیننده خود را در دل موقعیت حس کند، مدام احساس می‌کند در حال تماشای مجموعه‌ای از قاب‌های پراکنده است.

علی‌رغم فرصت بهره‌برداری از گریمرهای حرفه‌ای در دوران هوش مصنوعی، در قسمت پنجم، گذشته و آینده کاراکترهای ملکر رستم، یوسف و زری روایت می‌شود. فلش‌بک بخش حضور در میان عشایر به پایان می‌رسد و هوتن شکبیا در نقش «ملکر رستم» هیچ تغییری نکرده است، اما دو بازیگر دیگر نقش جوانی یوسف و زری را ایفا می‌کنند. در واقع، زری و یوسف در کمتر از هشت سال چنان تغییر می‌کنند که نیاز است بازیگران دیگری نقش جوانی آنان را بازی کنند، درحالی‌که هوتن شکبیا در همان بازه با همان گریم ظاهر می‌شود. برای مثال، تفاوت قدی میان نسخه جوان‌تر یوسف (میلاد کی‌مرام) در کسان‌های مشترک آشکارا به چشم می‌آید. این اختلاف قدی، به‌ویژه در صحنه‌های پیاده‌شدن از اسب، تعادل بصری را

مدیرعامل ایرانسل گفته اگر اینترنت ۷۰ درصد گران نشود، ممکن است روزی سه ساعت قطعی اینترنت داشته باشیم.

●●●

مرد جوان روی صندلی عقب اسنپ نشست. از پشت شیشه به بیلبرودهایی که در شهر نصب شده نگاه می‌کند. «اینترنت هست اما کم است»، «۱۶ نفر منتظر دیسکانکت کنی!»، «هم‌وطن! هر داندلود تو تیری است بر قلب کودکی که می‌خواهد کارتون پچه‌کوسه، عمه‌کوسه نگاه کند». اسنپ به دلیل اختلال در جی‌پی‌اس، به‌جای میدان فاطمی، در خاک‌سفید متوقف می‌شود. مرد آژانس می‌گیرد. در راه، همسرش شاکلی و عصبی زنگ می‌زند و می‌گوید زودتر خودش را به خانه برساند. نیم‌ساعت دیگر مصاحبه آنلاینش با شرکتی که قرار است جاب‌آفر بدهد شروع می‌شود. پیرمرد راننده تحلیل‌هایی درباره تأثیر قیمت نفت شیل بر افزایش قیمت تسسمه و بلبرینگ بازار چراغ‌برق ارائه می‌دهد. مرد جوان، سوسکی ایرباد در گوشش می‌کند. دیگر حوصله این‌ن حرف‌ها را ندارد. بالا‌برخ به خانه می‌رسد. پیرمرد راننده در حالی که در کل مسیر می‌گفت مردم در این روزهای سخت باید هوای همدیگر را داشته باشند، به دلیل نباحش مستقیم اشعه فرابنفش در مسیر خاک‌سفید-فاطمی صد تومان بیشتر از قیمت اولیه می‌کند در پاچه مرد. مرد کلید می‌اندازد و وارد ساختمان می‌شود. دم آسانسور آقای ترشیزی، همسایه طبقه اول، می‌گوید اینترنت را طبقاتی کرده‌اند. مرد ساهده‌دل لبخندی می‌زند و می‌گوید هنوز در مرحله طرح است و نهایی نشده. ترشیزی می‌گوید اون طبقاتی نه اسکل! فشار اینترنت رو کم کردن، به طبقه‌های بالا نمی‌رسه. مرد فرو می‌ریزد. می‌گوید: «ما که طبقه پنجمیم چیکار کنیم؟». ترشیزی می‌گوید طبقه

مراسم کوتاهی در خانه سینما برگزار شد تا تیم مدیریتی خانه سینما تغییر کند. جلسه‌ای برای تشکر از زحمات علی دهکردی و خوشامدگویی به همایون اسعدیان بود؛ دو هنرمندی که تلاش‌های متعددی برای برپابودن خانه سینما طی سال‌ها انجام داده‌اند. **تحسین فعالیت صنفی:** محمدمهدی عسگریور، رئیس هیئت‌رئیس‌ه خانه سینما در ابتدای مراسم گفت: «تقریباً همه افراد این اعتقاد را دارند که آقای دهکردی زمانی که مدیرعاملی خانه سینما را پس از استعفای خاتم مرصیه برومند پذیرفتند، به نوعی ازخودگذشتگی کردند. آن زمان شرایط بسیار سختی در خانه سینما حاکم بود و آقای دهکردی با آرامش و متانت این دوره را در خانه سینما مدیریت کردند. ایشان در این مدت کمتر می‌توانستند در حوزه بازیگری و پروژه‌های مختلف حضور داشته باشند و به بخش قابل توجهی از پیشنهادهای خود پاسخ منفی دادند. این جلسه خداحافظی ما با ایشان نیست، بلکه برخی ذاتا فعالیت صنفی را پذیرفته‌اند. اصولاً انجام فعالیت صنفی به وقت زیادی نیاز دارد در حالی که شهرت و آورده مالی ندارد».

پیشنهاد عسگریور به دولت: رئیس هیئت‌مدیره خانه سینما با اشاره به پیشرفت تکنولوژی تأکید کرد: «در این چند سال فعالیت در سینما با روش سنتی خود خیلی فاصله گرفته و ساخت فیلم و پخش آن روی پرده نقره‌ای صرفاً بخشی از این اکوسیستم است. این مسئله باعث می‌شود برخی حرفه‌ها در این صنعت موقعیت شغلی خود را از دست بدهند. خیلی از اصناف ما باید در مسائل خودشان این بازتعریف را داشته باشند. هنوز خیلی از اصناف با نگاه سنتی خود مانع حضور نیروهای جدید می‌شوند. روند ساخت فیلم در ایران و دریافت پروانه نمایش و پروانه ساخت و... بسیار قدیمی شده است. رسیدگی به خیلی از این مباحث باید در حوزه دولتی در دستور کار قرار گیرد و نهاد صنفی نیز باید در این راستا کمک کند».

حس مشترک و خون دل: سپس علی دهکردی و همایون اسعدیان روی صحنه آمدند. دهکردی عنوان کرد: «اکثر دوستانی که در حال انجام فعالیت صنفی هستند، در دوره‌هایی مدیر خانه سینما و رئیس صنوف بوده‌اند و همه ما در حسی مشترک نسبت با خانه سینما همدل و همراه هستیم و خون دل‌های زیادی خورده‌ایم تا خانه سینما، خانه سینماگران بماند. زمانی که به دوران تلخ تعطیلی خانه سینما فکر می‌کنم، اسم آقای داوود رشیدی بزرگ در ذهنم می‌آید که وقت و اعتبارشان را گذاشتند تا خانه سینما پایرجا بماند. ما امروز میراث‌دار بزرگانی مانند داوود رشیدی در صنوف مختلف هستیم».

دهکردی بیان کرد: «دوران سختی را شروع کردیم و دوران سختی را ادامه دادیم. خانه سینما در بحران‌های خاصی حضور داشت؛ از ماجرای اعتراضات اجتماعی و مشکلات حقوقی و قضایی برای اعضا گرفته تا تغییر دولت، تغییر کابینه و ...». از نظر مالی دوران ایدئالی برای خانه سینما نبود و نتوانستیم آن‌طور که باید از صنوف حمایت کنیم». او تأکید کرد: «این خانه، خانه ماست و مهم نیست که کلید این خانه در دست چه کسی قرار می‌گیرد، مهم این است که این توافق در میان خودمان انجام می‌شود». دهکردی همچنین گفت: «دکتر فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی در دولت جدید نیز از زمان شروع فعالیت‌شان ارتباط نزدیکی با خانه سینما دارند که ستودنی است». او ابزار امیدواری کرد: «در روزگار پیش‌رو خبری از جنگ نباشد و بحران بی‌کاری در صنوف بهبود پیدا کند».

علی دهکردی درباره همایون اسعدیان گفت: «وقتی آقای اسعدیان معرفی شدند، من بسیار خوشحال شدم؛ زیرا کسی آشنا به کار صنفی و بدنه سینما و بدنه دولت در این سمت حضور دارد». در ادامه مراسم، همایون اسعدیان گفت: «صمیمانه از علی دهکردی عزیز بابت قبول این مسئولیت در آن مقطع زمانی خاص تشکر می‌کنم. از هیئت‌رئیس‌ه خانه سینما نیز بابت حسن‌ظنی که به من داشتند، تشکر می‌کنم و امیدوارم با کمک هیئت‌رئیس‌ه و اصناف این دوره را به خوبی سپری کنیم».

دغدغه‌خوانی

مجازی‌شدن کلاس‌ها، خط قرمز آموزش



محمدرضایک‌نژاد

آموزگار

چند روزی است که زمزمه‌هایی از برگزاری مجازی کلاس‌ها شنیده شده و می‌شود. گرچه بهانه این کار در گفته‌های آشکار و پنهان دست‌اندرکاران، امنیت دانش‌آموزان در صورت بروز جنگ است، اما گاه بهانه‌های دیگری همچون ناترازی انرژی و قطع آب و برق و... نیز مطرح شده است. نگرانی از مجازی‌شدن آموزش و آسیب‌های آن به قدری افزایش یافته که گروه‌هایی از کنشگران مدنی و برخی از خانواده‌ها دست‌به‌کار شده و کارزارهایی رسانه‌ای-مجازی در راستای مخالفت با آن به راه انداخته‌اند. در یکی از این کارزارها که عنوانش «اعتراض و مخالفت با آموزش مجازی در سال ۱۴۰۴» است، آمده: «دلائل اصلی این مخالفت عبارت‌اند از: ۱- کاهش کیفیت آموزشی در علوم پایه ۲- آسیب به رشد اجتماعی و ارتباطی دانش‌آموزان ۳- ایجاد بی‌عدالتی آموزشی میان خانواده‌ها ۴- افت انگیزه و تمرکز در فرایند یادگیری ۵- تضعیف مهارت‌های پایه‌ای همچون نوشتن و تمرین حضوری ۶- بروز آسیب‌های جسمی و روانی ناشی از استفاده مداوم از وسایل دیجیتال». برای کسانی که دشواری‌های آموزش و پرورش را دنبال می‌کنند و آسیب‌های جبران‌ناپذیر آموزش‌های مجازی در دوران کرونا را از سر گذرانده‌اند، این‌گونه خبرها بسیار شگفت‌آور، نگران‌کننده و حتی آزاددهنده است. چگونه ممکن است کسی مسئول و کارشناس و حتی معلم و پدر و مادر باشد و نداند که همچنان آموزش نه‌تنها در ایران، بلکه در گستره جهانی، گرفتار آسیب‌های وحشتناک دوران همه‌گیری است. امروز دانش‌آموزان پایه‌های نخست دبستان در دوران کرونا، یا در سال‌های پایانی دبستان هستند یا دوره متوسط نخست را می‌گذرانند و همه می‌دانیم که این گروه از دانش‌آموزان دست‌مکم و همچنان درگیر مهارت‌های پایه‌ای خواندن و نوشتن و حساب هستند. نهادهای جهانی در گستره آموزش همواره در نشست‌ها، بیانیه‌ها، نوشتارها و نتایج پژوهش‌ها هشدار داده و تأکید می‌کنند که باید تلاش کرد بار دیگر گرفتار مجازی‌شدن آموزش نسویم یا در صورت بروز، آمادگی بیشینه خود برای رویارویی با آن را داشته باشیم. در این شرایط چگونه دست‌اندرکاران به آسانی و بدون کمترین نگرانی‌ای از مجازی‌شدن کلاس‌ها سخن می‌گویند؟ به‌راستی شگفت‌آور است! آن‌هم زمانی که مجازی‌شدن آموزش، دشمن هر دو شعار کلیدی و سرنوشت‌ساز پزشکیان به‌عنوان رئیس دولت، یعنی عدالت آموزشی و کیفیت‌بخشی به آن است. به گواه پژوهش‌های جهانی، بازماندگی فیزیکی و غیرفیزیکی از آموزش، کاهش عدالت آموزشی و افت کیفیت آن سراسرت از پیامدهای آموزش مجازی بوده و جبران آن برای بخش بزرگی از خانواده‌ها ناشدنی است و حتی بسیاری از دولت‌ها نیز نتوانسته‌اند آن‌چنان که باید و شاید از پس جبران آن ب‌آیند. در دوران کرونا، از سویی با همه تلاش‌های خیرین، سازمان‌های مردم‌نهاد و تا اندازه دولت امکانی فراهم نشد که همه دانش‌آموزان ثبت، گوشتی یا رایانه شخصی داشته باشند و از دیگر سو دولت آموزش و پرورش در پشتیبانی‌های کارآمد از این شکل آموزش سربلند بیرون نیامدند. از این‌رو بخش بسیار بزرگی از جامعه آموزشی ما از آموزش بهینه و کیفی جا ماندند. بسیاری از خانواده‌ها و شاید نزدیک به همه آنها، توان پشتیبانی آموزشی از بچه را نداشتند و حتی با داشتن ابزارهای درخور، دانش و مهارت بایسته برای پیشبرد آموزش، نه‌تنها برای پدر و مادرها، بلکه بخشی از آموزگاران هم فراهم نبود. سخن پایانی اینکه دست‌اندرکاران آموزش، به‌ویژه وزیر، نباید اجازه دهند فضای ذهنی و فیزیکی برای چنین کاری آماده شود. ایشان و تیم مدیریتی او موظف‌اند خط قرمز تعطیلی و مجازی‌شدن آموزش را به هیئت دولت و نهادهای بالادستی تحویل کنند؛ به‌گونه‌ای که مدرسه و کلاس واپسین جایی باشد که به خاطر ناترازی انرژی، آلودگی و سردی و گرمی هوا و مراسم‌های گوناگون به تعطیلی کشیده شود؛ البته خدای ناکرده حساب جنگ جداسخت، ما چشم به راه موضوع‌گیر روشن وزیر و از او بالاتر رئیس دولت هستیم تا جامعه را از این نگرانی برهانند و خط قرمز تعطیلی مدرسه‌ها به هر بهانه‌ای را بدروشنی به مردم و نهادهای تصمیم‌گیر دیگر بفهمانند.



جمعیت هلال‌احمر فعالیت‌های توانبخشی خود را از سال ۱۳۴۱ با تأسیس مرکز ارتوپدی فن آغاز کرد. این مرکز خدمات متنوعی را در کلینیک‌های تخصصی شامل ارتز، پروتز، کفش طبی، اسکن کف پا، فیزیوتراپی، کاردرمانی، توانبخشی سالمندی، آسیب‌های نخاعی، شنوایی‌شناسی، گفتاردرمانی، تغذیه، حرکات اصلاحی، توانمندسازی مغز، ذهن و روان و کلینیک‌های چندتخصصی برای قطع عضو، تانجورهای ایستون فقرات و سکنه مغزی، برای فشار کم‌درآمد فراهم می‌کند. عکس: علیرضا معصومی، ایسا

طنزخوانی

داستان علمی-تخیلی قطعی اینترنت



آیدین ساعرعب

بالایی‌ها باید پول بذارن پمپ ایرانسل بخرن. مرد، متمدسانه از ترشیزی می‌خواهد نیم‌ساعت پیاید واحد آنها تا مصاحبه‌اش انجام شود. ترشیزی جان بچه‌اش را قسم می‌خورد و می‌گوید تا آخر ماه ۳۰ گیگ بیشتر سهمیه ندارند و این ۳۰ گیگ صرف هم پژوهش‌های علمی و تحقیقات آکادمیک می‌شود. ناگهان از واحد ترشیزی صدای موزیک آشنایی به گوش می‌رسد: «دلو دادم بت تو جزیره دلم دیگه تنهایی نمی‌پذیره...». صدای زنی از واحد بلند می‌شود: «ترشیزی بیا، شروع شد». مرد با تعجب می‌پرسد: «عشق ابدی نگاه می‌کنی؟». ترشیزی می‌شوکه‌د توی خودش و می‌گوید ما برای جنبه‌های انسان‌شاسانه‌اش از منظر هرمنوتیک گادامر نگاه می‌کنیم و سپس با دست‌پاچگی از مرد خداحافظی می‌کند. مرد با عجله پله‌ها را دوتا یکی بالا می‌رود. شاید زنش هنوز کمی اینترنت داشته باشد. به این فکر می‌کند که اگر این دفعه هم نتشود باید قید مهاجرت را بزنند. طبقه چهارم، آقای حسن‌نژاد با عرق‌گیر و یک دبه در دست از واحدش خارج می‌شود. مرد سعی می‌کند خودش را بزند به ندیدن اما حسن‌نژاد فریاد می‌زند: «منصوری! کجا می‌ری؟ اینترنت نیست». مرد برمی‌گردد پایین: اینترنت شما هم قطعه؟ – آره بابا. یک ساعته قطع

۱۹هزار پرواز

محسن حسنلو، مدیرعامل فروگاه پیام، از برقرار تاکسی هوایی در پنج شهر خبر داد و گفت: حدود ۷۰ درصد آموزش خلبانی کشور در منطقه پیام انجام می‌شود. در حال حاضر، سالانه بیش از ۱۹ هزار نشست و برخاست پروازی آموزشی در پیام انجام می‌شود. در پایان هفته میریان علاقه‌مندان به پروازهای تقریبی هستیم. نیسی از متقاضیان آموزش‌های هوانوردی در پیام، بانوان هستند.

منابع خبری گزارش دادند ۴۷ گردشگر اسرائیلی در بوسنی‌وهرزگووین پس از آنکه گذرنامه‌هایشان به شکلی عجیب ناپدید شد، سرگردان مانده‌اند. تحقیقات اولیه نشان داده کارکنان یکی از هتل‌ها دسته‌ای از گذرنامه‌ها را به سطل زباله انداخته‌اند. مقامات محلی با بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته این موضوع را تأیید کرده‌اند. بااین‌حال، تلاش‌ها برای یافتن مدارک در محل دفن زباله‌ها بی‌نتیجه مانده است.

۴۷ پاسپورت